

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۴/۰۸/۱۹

نویسنده: فلیپ گیلاردی «Philip Giraldi»

ژباړونکی: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

جستجوی امریکا برای دشمنان جدید

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2024-08-18»

America's Search for New Enemies

هدیدات خارجی جعلی برای تأیید انتخاب های ضعیف سیاست استفاده می شود

Fake foreign threats are used to validate poor policy choices

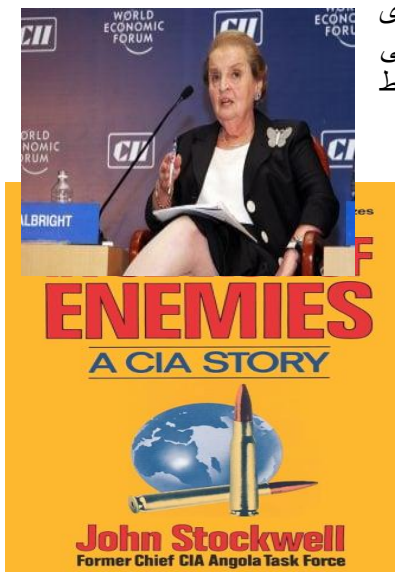


آیا واقعاً کسی فکرمی کند که ایران امریکا را ته پد می کند؟ این تنها زمانی قابل قبول است که بتوانید توسط یک دروغگو و جنایتکار جنگی مادرزادی مانند **بنیا مین نتانیاہو**، نخست وزیر اسرائیل، یا توسط فردی مانند **سنا تور لینگ سی گراہام** از کارولینای جنوبی متقاعد شوید [چونکه اینها دغل با زانی اند که باحقه با زی وجست های عجیب و غریب دیگران را سرگرم میکنند... **تفصیل توسط این قلم**]. و همچنان اخیراً نسبت اینکه اعضای خریداری شده کانگره که «56» بار هنگام سخنرانی **نتا نیاہوی** مضر و آسیب رسان و جنایتکار بخاطر احترام و تشویق اودرجاهای خود ایستادن؛ سرم را به تکان آورد تا اینکه من درمیان کتاب های قدیمی ام به جلدی برخوردیم یعنی به کتابی که عنوانی داشت که خلاصه آن چیزی بود که به آن فکر می کردم. این کتاب «در جستجوی دشمنان: داستان سیا» نام داشت و توسط یکی از همکاران سابق آژانس به نام **جان استاکول** در سال 1978 نوشته شده.

استاکول «Stockwell» بخشی از دوران مکتب خود را با پدر میلغان پروتستان خود در کنگو بلژیک گذراند. سپس از پوهنتون تگزاس پس از مدت سه سال تحصیل دربخش تفنگداران دریایی ایالات متحده فارغ شد. او در سال «1964» به **سازمان سیا** ملحق شد و به عنوان یک "دست آفریقا" Africa Hand " با تجربه مورد احترام قرار گرفت، همانطور که معمولاً در طول دوازده سال کارش در معاونت عملیات آژانس که با استعفای او در سال (1976) وظیفه اش به پایان رسید، به عنوان یک "دست آفریقا" مورد احترام قرار گرفت. جنگ ها: بحران کنگو، به عنوان رئیس «گروه ضربت» آژانس در جنگ استقلال آنگولا، و ویتنام. شش سال از عمر استاکول در آفریقا بود یعنی که عمرش داخل خدمت در آفریقا سپری شد، البته به عنوان رئیس پایگاه در **کاتانگا**، سپس رئیس ایستگاه در

د پاپو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی



بوجومبورا، بوروندی در سال « 1970 » ، قبل از انتقال او به **ویتنام** برای نظارت بر عملیات اطلاعاتی در ولایت **تای نین**، جایی که او مدال شایستگی اطلاعات سازمان سیا را برای نگهداری دریافت کرد. پست او تا قبل از سقوط سا یگون به دست کمونیست ها در سال 1975 فعال بود.

استاکول در نامه استعفاي خود به نگرانی های عمیق خود در مورد روش ها و نتایج عملیات شبه نظامی سیا در کشورهای جهان سوم اشاره کرد و متعاقباً در مقابل کمیته های کنگره شهادت داد. دو سال بعد، او در جستجوی دشمنان درباره آن تجربه و پیامدهای گسترده تر آن نوشت. او مدعی شد که **سیا** به امنیت ملی آسیب می رساند و "جنگ های مخفی" آن هیچ سودی برای ایالات متحده نداشته و ندارد. به گفته وی، **سیا**، جنبش خلق برای آزادی آنگولا (MPLA) را دشمن آنگولا معرفی کرده بود ، علیرغم این واقعیت که MPLA خواهان روابط خوب با ایالات متحده بود و به هیچ وجه آمریکا را تهدید نکرده بود. در سال (1978) او در برنامه تلویزیونی 60 دقیقه آمریکا ظاهر شد تا درباره کتابش بحث کند، از جمله ادعا کرد که **ویلیام کولبی**، رئیس **سیا** و **هنری کیسینجر**، مشاور امنیت ملی، به طور سیستماتیک به کنگره و مردم درباره عملیات **سیا** در آفریقا و جاهای دیگر دروغ گفته اند.

استاکول نقش مهمی در جنگی ایفا کرد که بعدها آمریکا تصمیم گرفت آن را فراموش کند. این یک درگیری پر از درس بود آنچه که در مورد ظلم و ستم بوروکراسی در حال اجرا و نیروی عادت و معتاد که چنین روندی خونین را پیش می برد بازی پایانی نداشت. در واقع، یافته و یا رخداد فوق محرمانه ریاست جمهوری که اجازه جنگ مخفیانه در آنگولا را صادر می کرد، به صراحت به **سیا** دستور داد تا از پیروزی اجتناب کند - هدف در عوض «خونریزی خزانه روسیه و خون ریزی اجساد آنگولاها بود، همه اینها برای نگه داشتن روسیه روی انگشتانش» البته پس از ترک آمریکا از ویتنام سال قبل اگر چه هیچ نیروی آمریکایی در آنگولا حضور نداشت ، فقط «مستشاران» در آنجا بودند، میلیون ها دلار خرج و مصرف شد، هزاران نفر جان باختند، و دروغ های بسیاری به مردم آمریکا در راه انداختن جنگی بدون ارتباط با منافع حیاتی آمریکا و بدون امید گفته شد. پیروزی ها از بسیاری جهات، انسان را به فجایع مربوط به سیاست های امنیت خارجی و امنیت ملی ایالات متحده که امروز در حال وقوع است، وادار می کند. پیامدهای که از بسا جهات بسیار شبیه به پیامدهای خروج نیروی های آمریکایی از افغانستان بوده که اخیراً به نظرمی رسد، باید اذعان کرد که شخص و یا دولت ها برای توجیه تشکیلات دفاعی متورم به دشمن نیاز دارد و اگر دشمنی در دسترس نباشد، دشمنی اختراع خواهد شد یعنی که باید دشمن دیگر بخاطر جنگیدن جستجو گردد ، درست همانطور که **سنا تور لیند سی گراهام** قبلاً لایحه (SJ106) را به سنای ارائه کرده است، که اجازه جنگ پیشاپیش با ایران را می دهد، حتی اگر ایران کاری برای تحریک آن انجام ندهد. این یک اعلان جنگ از قبل علیه یک "دشمن" است که در صورت نیاز راحت خواهد بود!

گراهام در انتهای یک روند جنگ افروزی آمریکایی قرار دارد که از زمان جنگ جهانی دوم در حال توسعه بوده و در سی سال گذشته تشدید شده است. قدرت واقعی و ارتباط آمریکا با توجه به اقتصاد و رهبری آن کاهش یافته است، اغلب به دلیل تصمیمات بد اتخاذ شده توسط دولت این کشور که رقبا را به دشمنان واقعاً با انگیزه تبدیل کرده است. زمانی که کشورهای در حال توسعه مانند **چین** برنامه های صادراتی موفقی را دنبال می کردند. **چین** اکنون این کشور را به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل کرده است ، اما ایالات متحده به طور فزاینده ای موفقیت **پکن** را به عنوان یک "تهدید" می بیند که وضعیت بحرانی را ایجاد می کند که در آن واقعا وضعیت بحرانی وجود ندارد. ایالات متحده که تلاش می کند با افزایش هزینه های نظامی خود برای سیستم های تسلیحاتی منسوخ شده پر هزینه مانند ناوهای هواپیمابر، نزول و یا ضعف خود را پنهان کند و ارتباط آن را افزایش دهد، تنها با ایجاد کسری های ناپایدار عظیمی که قبل از مدت ها به خانه بازمی گردد، موضوع را بدتر کرده است!

و هنگامی که شما آن همه سخت افزار نظامی گران قیمت را در اطراف خود دارید، لازم است که از آن استفاده کنید، و سیاستمداران ضعیف را وسوسه می کند تا در مناطقی از جهان که ایالات متحده هیچ منافع واقعی برای حما

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

یت از آنها نداشت ، حالت های تهاجمی اتخاذ کنند. (900) پایگاه نظامی واشنگتن در سرتاسر جهان هیچ هدف دفاعی قابل تصویری ندارند، اما اثرقلدری ناشی از حضور آنها واکنش اجتناب ناپذیری را با کشورهای در حال توسعه و حتی برخی از کشورهای پیشرفته که پی می‌برند تسلط دلار در مرکز مشکل است، برمی‌انگیزد. این کشورها شروع به پیوستن به یکدیگر برای مقاومت در برابر "امپریالیسم یا نکی" و مذاکره برای توافقنامه‌ها یی برای ایجا د صف بندی های اقتصادی و سیاسی جدید مانند بریکس کرده‌اند که تنه‌ابه تسریع افول امریکاکمخواهد کرد.

تصویر : مادلین آلبرایت(منبع)

Wikimedia Commons

بنابراین راه حلی که رهبران دموکرات و جمهوری خواه به طوریکسان درک می کنند چیست؟ به نظر آنها تحریم ها چونکه تحریم ها بیشتر راه آسانی است تا زمانی که ایالات متحده بتواند بخش اعظم تجارت جهانی را از طریق تسلط دلاربه عنوان ارز ذخیره مدیریت کند. در حال حاضر یک سوم کشورهای جهان به دلایلی چندی تحت تحریم های ایالات متحده هستند و سند تحریمی درارشیف وزارت خزانه داری امریکا وجود دارد که افراد آسیب دیده یا تحریم شده رابا نام و هویت درلیستی « 2669 » صفحه نشان میدهد. واز سوی دیگر مداخلات نظامی بسیار بیشتری همراه با عملیات ویژه سازماندهی شده توام با ناتو و گروه رو به کاهش کشورهای دوست که صورت گرفته است، به نوبه خودکشورهای دیگر رابه آغوشی تنگ و تحت فشاربا کسانى سوق میدهدکه دیگرحاضربه پذیرش آنچه وزیر امورخارجه نادان امریکایی دیکته میکند نیستند. **مادلین آلبرایت** به این موضوع افتخار کرد که آن کشورهارا تحت فشار ومضيقه قرار میداد :

« پس اگر مجبوریم که از زور استفاده کنیم، به این دلیل است که ما امریکا هستیم. ما ملتی ضروری واستثنایی هستیم. قد بلند می ایستیم. ما آینده را بیشتر می بینیم.»

تفکر امریکایی در سطح بالا که به وضوح توسط آنچه رهبری کشوربه مردم خواهد فروخت، یعنی ترس از تهدیدات ادعایی شده ناشی از سایرکشورها، به ویژه در حال حاضر از چین، روسیه، کره شمالی، ونزوئلا و ایران هدایت وتبلیغ می شود. همیشه داشتن دشمنی خوب است که بتوانید همه چیز را به گردن او بیندازید، اما بهایی دارد، و آن این است که «دشمنان» متوجه خواهند شد که چه اتفاقی در حال رخ دادن است و با هم متحد می شوند و برای مقاومت در برابر تجاوزات ایالات متحده همکاری می کنند. این همان چیزی است که ما اکنون با ایالات متحده در لیست دشمنان خود بسیاری از کشورها را می بینیم و نظرسنجی ها نشان می دهد که واشنگتن در حال حاضر چقدر منفور است! حقیقت غم انگیز این است که این دولت ایالات متحده است که مصلحت می بیند که روند ایجاد دشمنان را برای مصرف به امید توجیه اتحادهای غیرمفید و دیگر ترتیبات خارجی و صف بندی های دفاعی که در خارج از کشور بی معنی است، آغاز کند. در مورد **ولادیمیر پوتین**، رئیس‌جمهور روسیه چه می‌خواهیم بگوئیم، اما اقدامات دیپلمات‌های روسی در بیست سال گذشته به منظور ایجاد هماهنگی با غرب بود. کلید این روابط بهبود یافته، پابندی واشنگتن به تعهد پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مبنی بر عدم گسترش **نا تو** به اروپای شرقی بود، که مسکو آن را خط قرمز می دانست. کاخ سفید متعاقباً آن توافق را تقریباً بلافاصله نادیده گرفت.

اما این سرنگونی دولت منتخب واشنگتن در اوکراین در سال 2014 بود که با مسکو دوست بود و پس از اینکه **پوتین** متوجه شد که تلاش برای ایجاد یک روش زندگی قابل قبول با **نا تو** هیچ فایده ای ندارد، زمینه را برای وخامت روابط چندجانبه بین روسیه و **ناتو** فراهم کرد. از غرب همانطورکه اخیراً از **آنگلا مرکل** صدراعظم سابق آلمان دریافتیم، توافق **مینسک** که یک اوکراین غیرمتعهد را ایجاد می‌کرد، همگی یک تقلب بود، با این که **نا تو** قصد داشت به رغم تعهدات خود مبنی بر عدم انجام این کار، عضویت را به کیف تسلیم و گسترش دهد. حتی در اپریل 2022، اندکی پس از مداخله روسیه در اوکراین برای حفاظت از اقلیت قومی روسی در **دونباس** و **کریمه** در فبروری 2022، **بوریس جانسون**، نخست وزیر بریتانیا به طور غیرمنتظره ای به اوکراین سفر کرد تا به نخست وزیر **ولودیمیر زلنسکی** هشدار دهد که هرگونه مذاکره صلح با مسکو نخواهد شد. مذاکرات که البته برای ایالات متحده، انگلیس و ناتو قابل قبول باشد. این خواسته ای بود که **اوکراین** با بد برای ادامه جنگ آماده باشد.

همین طور با مسموم کردن عمدی روابط با سایر دشمنان بالقوه و بالفعل. یکی به یاد می آورد که چگونه در سال 1972 ایالات متحده و **چین** روشی را ایجاد کردند که به دو کشور اجازه می داد در صلح زندگی کنند، یا حداقل به گونه ای که مانع درگیری مسلحانه شود. این سیاست «چین واحد» نامیده می‌شد و به رسمیت شناخته شد که **تایوان** مستقل، که زیر چتر نظامی امریکا زنده می‌ماند، بخشی از **چین** بزرگ است. اما، در همان زمان، **چین** موافقت کرد

د پانو شمیره: له 3 تر5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي دلیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

که تلاشی برای به دست آوردن **تا بوان** به زور نداشته باشد و ایالات متحده آنچه را که به عنوان "ابهام استراتژیک" در مورد این موضوع از آن یاد می‌شود، حفظ کرد. با این حال، اکنون ایالات متحده یک مسئله اصلی را در مورد نیت احتمالی بدخواهانه **چین** مطرح کرده است و هر دو حزب اصلی در واشنگتن، **پکن** را به طور فزاینده‌ای به عنوان دشمن فرا افق می‌بینند. صحبت‌های قابل توجهی در واشنگتن در مورد "معامله" با **چین** وجود دارد و رهبری **چین** کاملاً از آنچه مطرح می‌شود آگاه است. **چین** اکنون هر کاری که لازم باشد برای کاهش تهدید انجام خواهد داد و به طور کامل در راستای منافع خود عمل خواهد کرد، این شکست بزرگ دیگری از دیپلماسی امریکا است که دیده می‌شود.

بنا بر این اقدامات و اجرات پرازاشتباه ایالات متحده، دو قدرت بزرگ نظامی و اقتصادی - روسیه و چین - را به دشمن تبدیل کرده است و این دو کشور با ایجاد روابط در صورت لزوم پاسخ مناسبی به امریکا داده‌اند. از آنجایی که اسرائیل در آستانه آغاز یک جنگ منطقه‌ای با تمرکز بر فلج کردن ایران است و واشنگتن متعهد شده است که حتی در صورت شروع درگیری از کشور یهود دفاع کند، کاری که قبلاً عملاً انجام داده است، به‌ویژه روسیه ممکن است قبلاً به این کشور رسیده باشد. طبق گزارش‌ها، ما نه‌های پدافند هوایی پیشرفته اس-400 که قادر به سرنگونی هواپیماهای جنگی امریکا و اسرائیل هستند، به تهران کمک می‌کند. ایران متقابلاً با فروش هواپیماهای بدون سرنشین مسلح به مسکو طوریکه مسکو تعداد زیادی از این هواپیماهای بدون سرنشین ساخت ایران را در جنگ علیه اوکراین بکاربرده است. به همه هویدا است. تنش اجتناب‌ناپذیر بین دو



قدرت بزرگ مسلح هسته‌ای و یک اسرائیل مسلح هسته‌ای بی‌پروا در وسط از آن نقطه شروع می‌شود و نکته غم‌انگیز این است که اگر کاخ سفید از نفوذ خود برای مهار این جنگ استفاده می‌کند، درگیری فزاینده هرگز شروع نمی‌شود. اقدامات دولت اسرائیل در غزه و ترورهای آن در لبنان و خود ایران. نشانه‌های از خصومت افزای توسط ایالات متحده و متحدین آن است.

در ردیف ویا «رتبه دشمنان» پس از چین و روسیه، قطعاً خود ایران قرار دارد، عمدتاً به دلیل اصرار اسرائیلی‌ها که عمدتاً جنبه‌های سیاست خارجی واشنگتن را کنترل می‌کنند. اسرائیل ادعا می‌کند که ایران تهدیدی برای ایالات متحده و همچنین اسرائیل است زیرا در حال ساخت سلاح هسته‌ای است. این دیدگاه اخیراً توسط **مین نائیا هو** نخست‌وزیر اسرائیل در مقابل کنگره امریکا تکرار شد و کاملاً ساختگی است. حتی اطلاعات اسرائیل نیز اذعان می‌کند که ایران برنامه تسلیحات هسته‌ای ندارد و از داشتن چنین وسیله‌ای دور است. در واقع، واقعیت این است که ایران هرگز ایالات متحده را تهدید نکرده و هیچ علاقه‌ای به این کار ندارد. اسرائیل که دارای یک زرادخانه هسته‌ای مخفی است، به دلیل استقبال از "**گزینه سامسون**" که در آن از سلاح‌های هسته‌ای خود برای حمله به کشورهای دوست تحت شرایط خاص استفاده می‌کند، بیشتر از ایران برای ایالات متحده تهدید است.

بنابراین شما آن را دارید. شاهد جست و جوی دیوانه وار برای یافتن دشمنان جدید، آن گونه که دیوانگان مسئول در واشنگتن به آن نیاز دارند، باشید، حتی زمانی که واقعیت از روایت پشتیبانی نمی‌کند. این همان چیزی است که کتاب **استوکول** در مورد آن بود و در سال 1964 ما نند امروز صادق بود. ایالات متحده و اروپایی‌ها ادعا می‌کنند که از ارائه سیستم‌های تسلیحاتی سطح بالای روسیه به ایران برای کمک به این کشور برای دفاع از خود تا بتواند سلاح هسته‌ای تولید کند، هراس دارند، چیزی که در واقع هیچ قصدی برای انجام آن ندارد. و سوابق چیز کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد، یعنی اینکه ایران مورد حملات اسرائیلی‌ها و امریکایی‌ها و همچنین ترور مقامات ارشد خود از جمله قتل قاسم سلیمانی فرمانده سپاه پاسداران در ژانویه 2020 توسط **دونالد ترامپ** در بغداد بوده است. آیا واقعاً افراد بد اینجا هستند؟ فکر می‌کنم پاسخ روشن است

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې ښې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

فیلپ گیرالدی (متولد حدود 1946) ستون نویس، مفسر و مشاور امنیتی امریکایی است. او مدیر اجرایی شورای منافع ملی است، نقشی که از سال 2010 بر عهده داشته است. او پیش از انتقال به مشاوره خصوصی، به عنوان افسر اطلاعاتی برای سیا مشغول به کار بود. از سال 2024، او یکی از اعضای متخصصان اطلاعاتی کهنه کار برای سلامت عقل است.



فیلپ ام. گیرالدی، دکترا، مدیر اجرایی شورای منافع ملی، یک بنیاد آموزشی 3501(c) با کسر مالیات (شماره شناسه فدرال #52-1739023) است که به دنبال سیاست خارجی ایالات متحده مبتنی بر منافع بیشتر است.
فیلپ ام. گیرالدی، دکترا

در خاورمیانه وب سایت Councilforthenationalinterest.org، آدرس P.O. جعبه 2157، Purcellville VA 20134 و ایمیل آن inform@cnionline.org است. او یکی از همکاران دائمی تحقیقات جهانی است. منبع اصلی این مقاله تحقیقات جهانی است حق چاپ © فیلپ گیرالدی، تحقیقات جهانی،

با تقدیم احترامات «2024-08-19»

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لپکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ